

یادداشتی بر فیلم پری

محمد پورداوود

فیلم «پری» دارای نشانه‌های فراوانی می‌باشد و از روی نشانه‌هاست که عمق اثر معنا پیدا می‌کند. تقابل «داداشی» با گروه اسد، صفا و پری با نخستین نماها از داداشی معنا پیدا می‌کند. داداشی در ستیز با گروه مذکور با لباس رزم و اسلحه ظاهر می‌شود. او ضدیت خود را با گروه مذکور عملاً نیز نشان می‌دهد و برای رهاندن و جدا کردن پری از گروه مذکور، تلاش می‌کند. داداشی معتقد است: باید زندگی کرد، باید این دنیا را سپری کرد، انزواطلبی را طرد کرد و اَجَق و جَق بازی در نیاورد؛ هر کس در هر منصبی، باید در این چند صباح (دنیا) تلاش کند و در کنار این تلاش، طریقت و سیر و سلوک خویش را هم رشد دهد. اختلاف اندیشه داداشی و گروه مذکور در سکانسی که در اتاق اسد وجود دارد، بیشتر نمود پیدا می‌کند. اتاقی که در آن بسته شده و هیچ‌کس داخل آن نمی‌شود؛ اندیشه‌هایی که بر روی آنها غبار گرفته است. داداشی وارد چنین اتاقی می‌شود. دو نمای پی‌درپی از پاک کردن غبار توسط داداشی تأکید بیشتری را بر این اندیشه غبار گرفته نشان می‌دهد. داداشی همچنان لباس رزم بر تن دارد. کتاب را فوت می‌کند. کات... خانه در حال ترمیم است. پوسته بر روی پوسته، باید از نو ساخت. داداشی در تقابل با پیشینه خود (گروه مذکور) می‌باشد. باید ترمیم صورت پذیرد. باید اندیشه گروه مذکور متحول گردد. داداشی در این تقابل یکسر قدم برمی‌دارد و لحظه‌ای دست بر نمی‌دارد. داداشی نیز در گرداب ناملازمات روحی بسر برده است. او نیز نخست تحت تأثیر اسد و صفا بوده؛ ولی از طریقت آنها جدا شده است. او آثار تأثیرات اسد و صفا را در خود دارد؛ آنجا که می‌گوید هنوز نمی‌توانم قبل از غذا خوردن ذکر نگویم و... الخ؛ اما بلافاصله اندیشه گروه مذکور (انزواطلبی و رفاه عرفانی و...) وارد می‌کند و می‌گوید باید در این دنیا زیست و... در این دیدگاه است که انگاره کوزه به سرها معنا پیدا می‌کند. کوزه به سرهایی که طریقت خویش را طی می‌کنند و کوزه باعث عدم تعادل آنها نمی‌گردد؛ زندگی می‌کنند. راه می‌روند؛ ولی لحظه‌ای، کوزه، تعادل زندگی آنها برهم نمی‌ریزد (انزواطلب نیستند). سرانجام این نشانه‌هاست که حاکمیت داداشی را به اثبات می‌رساند. پری در سر دو راهی می‌ماند.

اسد یا داداشی؟ «پری» تطهیر می‌شود؛ روزه سه روزه خود را که نشانی از اسد دارد، می‌شکند. پری از دست داداشی غذا می‌گیرد (توجه شود به نمای مذکور و شکل و شمایل داداشی) و آغاز «تحول» زیبایی فیلم در این است که قاعده مرسوم شخصیت‌های متحول شده را به تصویر نمی‌کشد و تمام تحول را نشان نمی‌دهد. بحث بر روی چگونه بودن عرفان نیست. اصلاً عرفان و نوع آن مد نظر نمی‌باشد، بلکه شیوه دستیابی و رسیدن به این عرفان از دو دیدگاه طرح می‌شود. در هر دو شکل عرفان وجود دارد؛ ولی یکی به خودسوزی می‌انجامد و دیگری به زندگی. عرفان داداشی حد و مرز ندارد و به معنای عام کاربرد دارد. او می‌گوید هر کس در هر مسندی می‌تواند عرفان داشته باشد، و لازمه عرفان لزوماً «انزواطلبی» یا «اجق و جق» بازی نیست. او دقیقاً عرفان را سوپرکتیو و شرقی‌گونه نشان می‌دهد. حال آنکه عرفان اسد و صفا آبژکتیو (بیرونی) است و تظاهر و ریا را در بردارد. در سه سکانس از فیلم، شاهد نمادی از عرفان و قدرت داداشی هستیم؛ چرخاندن چرخ، نگاه به انگشتر و داخل رودخانه رفتن. انگیزه‌های هر کدام نیز کاملاً مشخص است. چرخاندن چرخ به سبب تأثیرگذاری بر پری است، تا به او بفهماند من هم این راه را طی کرده‌ام؛ ولی مثل تو (انزواطلب و سه) نیستم. دو نوع دیگر نیز در تنهایی داداشی رخ می‌دهد و جنبه تظاهر ندارد و انگیزه‌های هر یک نیز مشخص است. عرفان داداشی مرز ندارد. او نمی‌گوید باید در این روزگار مادی، زیست و همزمان طریقت (سیر و سلوک) را شکل داد. پایه این عرفان می‌تواند از بودیسم، مسیحیت و... شکل گرفته باشد و نشانه و سنخیت خاصی در نگاه و نگرش داداشی وجود ندارد. حال آنکه شبه عرفان پری در سکانس مسجد اصفهان و صعود در گلدسته، از عرفانی خاص سخن می‌گوید، که طی کردن آن و رسیدن به معرفت از طریقیکه پری انتخاب کرده، توسط داداشی نشانه گرفته می‌شود. بحث فیلم پری انتخاب راه‌هاست برای رسیدن به «عرفان» بحث بر روی چگونه بودن عرفان نیست؛ و گرنه می‌بایست مراتب هفتگانه در نظرگاه اسد یا داداشی با تأکیدات تصویری یا کلامی همراه می‌شد. داداشی به پری می‌گوید: «آن کاسه آشی را که برای تو درست کرده بوده، از روی عشق بوده، تو اینو نمی‌فهمی». این است که داداشی در برابر پری طغیان نمی‌کند و سیر و سلوک او را نفی می‌کند. طریقت داداشی می‌گوید عرفان، زندگی را نابود نمی‌کند؛ اما پری مدام در حال خراب کردن آن است. پدر، مادر، نامزد و... همه را می‌رنجاند تا به عرفان برسد، زندگی را بر خود و دیگران تلخ می‌کند تا به حقیقت برسد. صفا نمونه‌ای از اسد است، باید پرسید چرا بازی این دو نقش بر عهده یک نفر است. شباهت ظاهری و تنانی این دو، مسلماً اولین نشانه‌ای است که مد نظر می‌باشد. اینجاست که شباهت آنها در سایر ابعاد شخصیتی نیز تعمیم پیدا می‌کند و آینده صفا در اسد مشاهده می‌شود و میانه شخصیت اسد، در صفا تجلی می‌یابد. پری آغاز آنهاست و با ستیز داداشی از آنها جدا می‌شود. عاقبت صفا نیز اسد است و... فیلم «پری» اگر چه زبان سلیس نشانه‌ها را انتخاب می‌کند؛ ولی دارای ضعفهایی نیز می‌باشد. بحث مفصل درخصوص نشانه‌ها، ضعفها، نماهای زاید و... در این یادداشت کوتاه، نمی‌گنجد.